

## بررسی و شناخت الگوها و فرایندهای شکل‌گیری روابط جنسی پیش از ازدواج

تاریخ دریافت: ۱۳۹۴/۱/۳۰

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۴/۷/۷

سعیده میرابی<sup>۱</sup>،\*، علی یوسفی<sup>۲</sup>، سیده سمیه موسوی<sup>۳</sup>

### چکیده

موضوع‌گیری و حساسیت موجود در جهان درباره برقراری روابط جنسی خارج از ازدواج در حال تغییر و دگرگونی است. تحقیقات نشان می‌دهند که جامعه‌ی ایران نیز در چند سال اخیر شاهد تغییر در الگوهای غالب روابط جنسی بوده و این امر ناشی از علل متعدد اجتماعی، خانوادگی و فردی است. هدف تحقیق حاضر بررسی و شناسایی علل و فرایندهای شکل‌گیری روابط جنسی خارج از ازدواج در میان زنان می‌باشد. روش بکار گرفته شده در تحقیق حاضر گراند تئوری است و نمونه تحقیق شامل ۱۰ زن مجرد دارای روابط دوستی با جنس مخالف می‌باشد. چهار الگوی اصلی شکل‌گیری روابط جنسی پیش از ازدواج که در تحقیق حاضر شناسایی شده‌اند عبارت است از: روابط دوستی سنتی، رابطه جنسی پیش از ازدواج مبتنی بر روابط عاشقانه، رابطه جنسی پیش از ازدواج مبتنی بر عشق سیال و رابطه جنسی پیش از ازدواج مبتنی بر روابط ضد عاشقانه (فریب).

یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد روابط دوستی سنتی روابطی با حداقل رابطه جسمی است و در میان زنانی دیده می‌شود که از پایبندی‌های مذهبی بیشتری نسبت به سایرین برخوردار بوده و به ارزشهای جنسی سنتی باور دارند. روابط جنسی عاشقانه روابطی است میان یک زن و مرد که دارای محتوای جنسی و عاطفی می‌باشد. دو عامل اثر گذار در برقراری رابطه جنسی در این تیپ شیفتگی طرفین به نسبت یکدیگر و دارا بودن رویکردی تفسیری نسبت به دین می‌باشد. نسبی‌گرایی در عشق، تعدد شرکای جنسی، لذت طلبی جنسی، دوستانه و سطحی بودن روابط جنسی محوری‌ترین عناصر در روابط مبتنی بر عشق سیال است. تربیت جنسی در دوران کودکی و نوع روابط والدین نیز مهم‌ترین شرایط اولیه‌ای شکل‌گیری این نوع روابط هستند. و بالاخره نفاق، فریب و شکست عشقی در اولین رابطه با جنس مخالف مهم‌ترین شرط شکل‌گیری روابط مبتنی بر فریب می‌باشد. در تحقیق حاضر هدف از روابط مبتنی بر فریب انتقام‌گیری از جنس مخالف است.

**واژگان کلیدی:** علل دوستی با جنس مخالف، الگوهای روابط جنسی پیش از ازدواج، عشق سیال، روابط جنسی ضد عاشقانه (فریب)، روابط جنسی عاشقانه

۱. نویسنده مسئول، کارشناس ارشد پژوهش علوم اجتماعی؛ دانشگاه فردوسی مشهد  
mirabi.saeede@gmail.com

۲. دانشیار جامعه‌شناسی دانشگاه فردوسی مشهد  
۳. دانشجوی کارشناسی ارشد؛ دانشگاه فردوسی مشهد

## مقدمه

موضعگیری و حساسیت موجود در جهان درباره برقراری رابطه با جنس مخالف فارغ از ازدواج در حال تغییر و دگرگونی است. در سال ۱۹۰۰ تنها ۶ درصد از زنانی که ازدواج نکرده بودند تجربه دوستی با جنس مخالف را داشتند، این در حالی است که امروزه ۷۵ درصد زنان پیش از ازدواج چنین رابطه‌ای را تجربه می‌کنند (گرینوود و گانر، ۲۰۰۹). نتایج بررسی‌ها نشان می‌دهد که در سال ۱۹۶۹، بیش از ۷۵ درصد از آمریکاییها تجربه این رابطه را پیش از ازدواج نادرست قلمداد میکردند در حالی که این تعداد در دهه ۸۰ تنها به ۳۳ تا ۳۷ درصد رسیده است. (هاردینگ و جنکس، ۲۰۰۳). یکی دیگر از شواهد مؤید این امر، تعداد فرزندآوریهای خارج از ازدواج می‌باشد، که به شکل قابل توجهی در حال فزونی می‌باشد. در فرانسه ۲۲ درصد فرزندآوریها در سال ۱۹۸۶ خارج از ازدواج بوده اند (لریدون، ۱۹۹۰) بنابراین شواهد حاکی از آن است که در جهان حاضر تجربه رابطه با جنس مخالف به سرعت رو به افزایش است. (ریندفسوس و واندنهیول، ۱۹۹۰)

تحقیقات نشان دهنده آن است که جامعه‌ی ایران نیز در چند سال اخیر شاهد رشد روابط جنسی پیش از ازدواج بوده است. (سلیمی نیا و دیگران، ۱۳۸۴؛ گرمارودی و دیگران، ۱۳۸۸؛ خلج آبادی فراهانی و مهریار، ۱۳۸۹؛ به نقل از آزاد ارمکی و دیگران، ۱۳۹۰)

در توضیح این تغییرات میتوان گفت ایران در سال‌های اخیر با تغییرات اجتماعی آرام ولی گسترده‌ای رو به رو بوده است. با گسترش امکانات جدید ارتباطی، جامعه‌ی ایران به تدریج با امواج فزاینده‌ای از تغییرات ارزشی و هنجاری مواجه شده است. اشتغال ناپایدار، بیکاری و عدم امنیت اقتصادی موجب مشکلات اقتصادی، ترس از ازدواج و به تأخیر افتادن سن ازدواج جوانان شده است. در نتیجه‌ی این شرایط موانع زیادی بر سر راه ازدواج که تنها راه مشروع ارضای نیازهای جنسی در ایران است ایجاد شده و موجب گرایش جوانان به روابط جنسی خارج از ازدواج و به تبع آن تغییر الگوهای غالب روابط جنسی شده است. علاوه بر این میزان بالای بیکاری در میان جوانان تحصیل کرده موجب افزایش افسردگی و احساس انومی در آنها شده و احساس انومی به شکل‌گیری ارزشهای جدید در میان بخشی از جوانان جامعه منجر شده است. در واقع تغییرات نظام ارزشی و تغییر ساختار اقتصادی ایران به تدریج زمینه را برای بروز الگوهای نوینی از رفتارهای جنسی در میان بخشی از جوانان ایرانی فراهم کرده است. (آزاد ارمکی و دیگران، ۱۳۹۰).

با توجه به تغییرات بوجود آمده در الگوی روابط جنسی غالب در ایران در سال‌های اخیر لزوم بررسی علل برقراری روابط جنسی خارج از ازدواج و نحوه‌ی شکل‌گیری این روابط بیش از گذشته ضروری به نظر می‌رسد. هدف مقاله‌ی حاضر بررسی و شناسایی علل و فرایندهای شکل‌گیری روابط جنسی خارج از ازدواج در میان زنان می‌باشد.

### پیشینه تجربی

آزاد ارملی و همکارانش (۱۳۹۰) در تحقیقی به سنخ‌شناسی الگوهای غالب جنسی در ایران پرداخته‌اند و آنها را ذیل سه گفتمان «پیشامدرن» (روابط آزاد؛ الگوهای روسپیگری و وروابط صیغه‌ای)، «مدرن» (روابط دوست‌دختری - دوست‌پسری و روابط همخانگی) و «پست مدرن» (روابط ضد عاشقانه و روابط مبتنی بر عشق سیال) دسته‌بندی کرده‌اند. روابط آزاد همان تداوم الگوهای روسپی‌گری است و در سوژه‌هایی یافت می‌شود که در قبال پرداخت یا دریافت پول اقدام به رابطه جنسی می‌کنند. روابط صیغه‌ای الگویی از روابط غیر عاشقانه پیش از ازدواج در ایران است که هسته اصلی آن پیوند دین و غریزه می‌باشد. این گونه روابط در سوژه‌هایی با پایبندی مذهبی مشاهده می‌شود. منظور از روابط عاشقانه روابطی است که هسته‌ی اصلی آن پیوند صمیمیت و تمایل جنسی فرد با شریک جنسی خویش است. مشخصه‌ی گفتمان روابط عاشقانه «تک همسری هم‌زمانی» و «چند همسری در زمانی» است که با تنوع جنسی کمتر و تعلق عاطفی بیشتر به شریک جنسی مشخص می‌شود. در این دسته از سوژه‌ها، نیازهای عاطفی همسطح نیازهای جنسی اهمیت بسیار دارد. روابط عاشقانه خود به دو دسته‌ی خرد دیگر تقسیم می‌شود: «روابط دوست‌دختر - دوست‌پسر» و «روابط همخانگی». الگوی روابط همخانگی همه‌ی ویژگی‌های الگوی دوست‌دختر دوست‌پسری را داراست با این تفاوت که این افراد با یکدیگر زندگی زیر یک سقف را تجربه می‌کنند و زندگی اقتصادی مشترکی دارند. عشق سیال نیز محصول دوران مدرنیته‌ی متأخر و رویکردهای پسامدرن در غرب است. در این الگوی جدید، مفهوم عشق بازتعریف شده و در قالب نسبیته‌ی شدید قرار گرفته است. این الگوی جدید از رابطه، تعهدهای سخت‌گیرانه و مطلق‌گرایانه عشق رمانتیک را نقض می‌کند و منکر ضرورت رابطه‌ی صمیمانه و متعهدانه است. ویژگی عشق سیال نه رفتن به سمت الگوهای پنهان‌کاری بلکه چند همسری آشکار است و هدف آن تنوع بیشتر؛ تعهد

کمتر و آزادی بیشتر در رابطه‌هایی است که صورتی نسبتاً دوستانه دارند. عشق سیال در واقع عشق نیست که رابطه‌ای دوستانه است. قرار گرفتن در موقعیت عشق سیال در بسیاری از سوژه‌های این دسته، نه الزاماً امری دفعی که مرحله‌ی نهایی شکل‌گیری تغییرات ذائقه‌ی جنسی در آنها بوده است. هدف از روابط ضد عاشقانه تنوع بیشتر، تعهد کمتر و رسیدن به منافع خاص در رابطه‌هایی است که صورتی نسبتاً عاشقانه دارند اما در واقع عاشقانه نیستند. روابط ضد عاشقانه ظاهری عاشقانه اما محتوایی آمیخته با فریب دارند. ویژگی روابط ضد عاشقانه چند همسری پنهان است.

تحقیقات متعددی دیگر به بررسی متغیرهای مختلف مؤثر بر روابط جنسی خارج از ازدواج پرداخته‌اند. در سطح فردی نتایج تحقیقات میرزایی و برغم‌دی (۱۳۸۹) نشان می‌دهد که انگیزه‌های دانشجویان مورد بررسی از برقراری رابطه با جنس مخالف به ترتیب عبارت‌اند از؛ نیاز به دوست داشته شدن، تنهایی، شناخت جنس مخالف، کسب تجربه، لذت جویی، درستکاری و صداقت طرف مقابل، خوش اخلاقی، خوش مشربی و اجتماعی بودن و میزان دانش علمی طرف مقابل. همچنین نتایج این تحقیق نشان می‌دهد رابطه‌ی معناداری میان متغیرهایی همچون جنسیت (مذکر بودن)، میزان دینداری فرد، محل سکونت، سن، گرایش فرد (زن) به نوع حجاب، وضعیت تأهل، رشته‌ی مورد تحصیل و تمایل به رابطه با جنس مخالف وجود دارد.

در میان عوامل یاد شده دینداری یکی از مهم‌ترین متغیرهایی است که در کاهش گرایش فرد به برقراری رابطه‌ی جنسی خارج از ازدواج تأثیر گذار است. تحقیقات نشان می‌دهند که اولاً درگیری مستمر در فعالیت‌های مذهبی پیش‌بینی‌کننده‌ی مهمی برای پرهیز از روابط جنسی در هر دو جنس می‌باشد (پول و دیگران، ۲۰۰۰) (یوکر، ۲۰۰۸) و ثانیاً دینداری تعداد شرکای جنسی را نیز کاهش می‌دهد (بارکان، ۲۰۰۶).

همچنین نتایج تحقیقی نشان می‌دهد میان متغیرهایی هم چون تعهد به روابط عاشقانه، حفظ سلامت فیزیکی و جلوگیری از بیماری‌های مقاربتی و رابطه‌ی جنسی خارج از ازدواج رابطه‌ی معکوسی وجود دارد. (لئونارد و اسکات جونز، ۲۰۱۰). نتایج بررسی دیگر نشان دهنده رابطه‌ی معکوس میان ترس از بارداری و نداشتن شریک مشتاق از نظر جنسی در میان زنان و گرایش به رابطه‌ی دوستی با جنس مخالف می‌باشد. (پول و دیگران، ۲۰۰۰). کیو (۲۰۰۹) نیز در

مطالعه‌ی خود نشان داده است که برخی از زوجها به رابطه‌ی دوستی با جنس مخالف اقدام می‌کنند تا رابطه شان را بعنوان مقدمه ای برای ازدواج مورد آزمایش قرار دهند

نتایج تحقیقات نشان می‌دهند که در سطح خانوادگی نیز عوامل متعددی در گرایش نوجوانان و جوانان به برقراری روابط جنسی خارج از ازدواج مؤثر می‌باشد. نتایج یک بررسی نشان می‌دهد که دانش آموزان دختر که با جنس مخالف خود رابطه دارند از توجه و محبت کمتری در خانواده برخوردار هستند و سخت‌گیری و تعصبات در خانواده‌هایی که فرزند دانش آموز آنها با جنس مخالف خود رابطه دارد بیشتر است. (کوثری، ۱۳۸۳) نتایج تحقیق دیگری نیز نشان می‌دهد کنترل سخت‌گیرانه‌ی والدین در دوران بلوغ، نگرش آزادانه‌ی والدین و احترام کم به نظرات والدین مهم‌ترین پیش‌بینی‌کننده‌های دوستی با جنس مخالف می‌باشند. علاوه بر این کنترل سخت‌گیرانه‌ی والدین، جو نامناسب خانوادگی، نگرش آزادانه‌ی والدین و احترام کم به نظرات والدین پیش‌بینی‌کننده‌های مهم خانوادگی در برقراری روابط جنسی با جنس مخالف قبل از ازدواج می‌باشد. (رفاهی و دیگران، ۱۳۹۱) نتایج سایر تحقیقات نیز نشان دهنده‌ی ارتباط حضور مذهبی والدین در مجامع مذهبی و یا فعالیت مذهبی خانواده با تأخیر زمان شروع رابطه‌ی جنسی است (منلاو و دیگران، ۲۰۰۶) (میرزایی و برغمندی، ۱۳۸۹) دسته‌ی دیگری از تحقیقات بر اهمیت تأثیر ویژگی‌های خانوادگی از قبیل پایگاه اجتماعی و اقتصادی خانواده و ساختار خانواده در دوران کودکی فرد و اقدام به برقراری رابطه با جنس مخالف تأکید کرده‌اند. بعنوان مثال نتایج یک بررسی نشان می‌دهد کسانی که در خانواده‌های گسسته بزرگ شده‌اند نگرش منفی تری نسبت به ازدواج دارند و بطور معمول دیرتر از بچه‌هایی که در خانواده‌ی سالم پرورش یافته‌اند ازدواج می‌کنند. علاوه بر این افرادی که در خانواده‌هایی با پایگاه اجتماعی بالاتری پرورش یافته‌اند در مقایسه با کسانی که در خانواده‌هایی با سطح تحصیلی و درآمد پایین تر به دنیا آمده‌اند، دیرتر از سایرین اولین رابطه با ناهمجنس را شروع می‌کنند (ویکی، ۲۰۰۹). علاوه بر این پل در تحقیق خود به این نتیجه رسیده است که فرزند اول بودن پیش‌بینی‌کننده‌ی مهمی برای پرهیز از رابطه‌ی جنسی در هر دو جنس می‌باشد. (پول و دیگران، ۲۰۰۰)

علاوه بر سطوح فردی و خانوادگی، ارتباط با دوستان از جمله عوامل دیگری است که گرایش به برقراری رابطه‌ی جنسی و شروع رابطه را تحت تأثیر قرار می‌دهد. (باس و

دیگران، ۲۰۱۰) (میرزایی و برغمندی، ۱۳۸۹)

در مورد تأثیر رسانه‌های جمعی بر گرایش به رابطه با جنس مخالف لنگل و همکارانش (۲۰۰۶) به این نتیجه رسیدند که رسانه‌هایی که دارای محتوای جنسی هستند یک عامل مهم در جامعه پذیری جنسی نوجوانان به شمار می‌آیند. نتایج بررسی دیگری نشان می‌دهد که بین گرایش به نوع برنامه‌ی ماهواره‌ای، گرایش به استفاده از رسانه‌ها، نحوه‌ی استفاده از اینترنت، گرایش به نوع برنامه‌ی تلویزیونی و گرایش به برقراری رابطه‌ی جنسی پیش از ازدواج رابطه‌ی معنا داری وجود دارد. (میرزایی و برغمندی، ۱۳۸۹)

آخرین عامل تأثیر گذار بر داشتن رابطه‌ی جنسی پیش از ازدواج مهاجرت افراد است. طبق یافته‌ها تحرک جغرافیایی با رابطه‌ی پیش از ازدواج ارتباط مثبت دارد به این دلیل که مهاجرت سبب تضعیف پیوندهای اجتماعی می‌گردد، امکان نظارت والدین را کاهش می‌دهد و تنهایی و انگیزتگی را افزایش می‌دهد. (استک، ۱۹۹۴)

#### چهار چوب نظری

برای فهم و تبیین علل برقراری رابطه‌ی جنسی پیش از ازدواج میتوان از نظریه‌های انتخاب عقلانی، رفتار برنامه‌ریزی شده<sup>۱</sup>، رفتار بین فردی<sup>۲</sup>، گروه مرجع، یادگیری اجتماعی<sup>۳</sup> و «ناهماهنگی شناختی» فستینگر سود جست. بر اساس نظریه انتخاب عقلانی، جامعه مجموعه‌ای از افراد است که کنش عقلانی دارند. این کنش عقلانی معطوف به هدف و مبتنی بر عقلانیت ابزاری است. بر اساس تحلیل‌های مبتنی بر این نظریه در جهان کنونی تعاریف عقلانیت با رواج افکار اومانستی و سوکولار تغییر کرده است و افراد به دنبال لذت طلبی بیشتر هستند و اهرم‌های خارجی‌ای نظیر مذهب یا عرف که در جامعه سنتی قدرتمند بودند، وزن و اهمیت چندانی ندارند. از سوی دیگر، بدلیل مشکلات اقتصادی و رواج بیکاری، و نتیجتاً بالا رفتن سن ازدواج، فرد برای برآوردن نیازهای جنسی خود رابطه جنسی پیش از ازدواج را عملی عقلانی می‌شمارد (هالکلی و وبستر، ۲۰۰۰).

1. Theory of Planned Behavior
2. Theory of Interpersonal Behavior
3. Social learning theory

نظریه رفتار برنامه‌ریزی شده<sup>۱</sup> رفتار فرد نه کاملاً اختیاری و داوطلبانه می‌داند و نه کاملاً تحت کنترل و برنامه‌ریزی شده. طبق این نظریه رفتار فرد بوسیله سه دسته از ملاحظات هدایت می‌شود: ۱- باورهای رفتاری که حاصل نگرش مطلوب یا نامطوب فرد نسبت به یک رفتار است ۲- باورهای هنجاری که حاصل هنجارهای ذهنی فرد می‌باشد و ۳- باورهای کنترلی که حاصل کنترل رفتاری ادراک شده است و کنترل رفتار را افزایش می‌دهند. در مجموع قصد فرد برای انجام رفتار حاصل نگرش نسبت به رفتار، هنجارهای ذهنی و کنترل رفتاری ادراک شده است و به عنوان یک قانون کلی هر چه نگرش و هنجارهای ذهنی فرد نسبت به یک رفتار مطلوب تر و کنترل ادراک شده روی رفتار بیشتر باشد، احتمال اینکه آن رفتار از فرد سر بزند قوی تر خواهد بود. تحلیل‌های مبتنی بر این نظریه حاکی از آن است که در سال‌های اخیر باورهای رفتاری در مورد رابطه جنسی قبل از ازدواج و نگرش افراد نسبت به این مقوله به شدت تغییر کرده است. آنچه‌آنکه بدلیل افزایش سن ازدواج که ناشی از مشکلات اقتصادی حاکم بر جامعه است با شکل جدیدی از روابط (مانند ازدواج سفید، هم‌خانگی و دوستی با ناهمجنس) مواجهیم که اتفاقاً به نوعی فرهنگ و هنجار یعنی باورهای هنجاری تبدیل شده است. (اجزن، ۱۹۹۱) نظریه رفتار بین فردی<sup>۲</sup> بر نقش عوامل اجتماعی، عواطف و رفتارهای گذشته فرد در شکل‌گیری رفتار کنونی او تأکید می‌کند. طبق این تئوری رفتار در هر موقعیتی تابع قصد و نیت فرد، عادات‌های فرد و الزامات هر موقعیت می‌باشد. نیت فرد خود تحت تأثیر عوامل اجتماعی (هنجارها، نقشها و خودپنداره فرد)، احساسات و نگرشهای فرد (ارزیابی‌های فرد در مورد عواقب یک عمل) می‌باشد (مارکی و دیگران، ۲۰۰۳) بر طبق نظریه یادگیری اجتماعی<sup>۳</sup>، رفتار به صورت ناخودآگاه و بر اساس مشاهده و تقلید از رفتار دیگران شکل می‌گیرد. بر اساس این نظریه رفتارهای ما یا به شکل منفی به صورت واکنشی در برابر رفتارهای دیگران است و یا به شکل مثبت و به صورت تقلیدی از رفتارهای دیگران. (باندورا، ۱۹۶۹) تئوری گروه مرجع نیز بر نقش افراد یا گروه‌های مرجع در شکل‌گیری نگرش، تصمیم‌گیری و کنش افراد در جامعه تأکید می‌کنند (کیت و کرلی، ۱۹۹۸)

- 
1. Theory of Planned Behavior
  2. Theory of Interpersonal Behavior
  3. Social learning theory

## روش تحقیق

تحقیق حاضر با استفاده از روش نظریه‌ی زمینه‌ای<sup>۱</sup> انجام گرفته است. الگوی فرایند تحقیق در نظریه پردازی داده محور شامل مراحل هم‌چون نمونه‌گیری نظری<sup>۲</sup>، کدگذاری نظری و تدوین نظریه می‌باشد. (فلیک، ۱۳۸۸، ص. ۱۰۹). در تحقیق حاضر به دلیل تابو و محرمانه بودن موضوع مورد بررسی امکان استفاده از روش نمونه‌گیری نظری وجود نداشت و بنابراین به جای آن از روش نمونه‌گیری در دسترس (به شیوه‌ی گلوله برفی<sup>۳</sup>) استفاده شده است. علاوه بر این سعی شده است تا انتخاب نمونه‌های در دسترس بر اساس میزان‌های متفاوت شدت<sup>۴</sup> دارا بودن رابطه با جنس مخالف باشد. طبق تعاریف ذهنی مشارکت‌کنندگان رابطه با جنس مخالف از نظر شدت به سه دسته‌ی رابطه‌ی صمیمانه‌ی جسمی<sup>۵</sup> و رابطه‌ی جنسی غیر واژینال و رابطه‌ی جنسی واژینال تقسیم شده است.

همانطور که گفته شد هدف تحقیق حاضر بررسی علل و فرایندهای شکل‌گیری روابط جنسی خارج از ازدواج در میان زنان می‌باشد. منظور از رابطه‌ی خارج از ازدواج شکلی از رابطه‌ی دو جنس است که شامل زن و مردی می‌باشد که در یک دوره‌ی زمانی محدود با یکدیگر ماجرای عشقی پیدا کرده اند. بنابراین رابطه عبارت است از پیوند موقتی که برجسته‌ترین خصوصیت آن آزادانه بودن انتخاب است و معمولاً از لحاظ زمانی نیز محدودیت دارد. این نوع رابطه به همان اندازه که دارای جنبه‌ی جنسی است محتوای عاطفی و احساسی را هم در بر می‌گیرد. (دانیلو، ۱۳۸۴: ۱۲۲) بر اساس این تعریف نمونه‌ی تحقیق حاضر شامل ۱۰ زن مجردی است که دارای رابطه‌ی دوستی با جنس مخالف و با محتوای عاطفی و جنسی هستند.

## 1. grand theory

۲. نمونه‌گیری نظری عبارت است از فرایند گردآوری داده‌ها برای نظریه پردازی که از این طریق تحلیل گر به طور همزمان داده‌هایش را گردآوری، کدگذاری و تحلیل میکند و تصمیم می‌گیرد که چه داده‌هایی را در مرحله‌ی بعدی گردآوری و آن‌ها را در کجا پیدا کند. (فلیک، ۱۳۸۸، ص. ۱۳۸).
۳. در رابطه با نمونه‌گیری گلوله برفی باید گفت که محقق ابتدا با معدود افرادی که دارای رابطه با جنس مخالف بودند مصاحبه نموده و بواسطه‌ی آنها به سایر افراد دارای رابطه دسترسی پیدا کرده است.
۴. در نمونه‌گیری بر اساس شدت (maximal variation)، ویژگی‌ها، فرایندها، تجربیات و .. جالب توجهی در موارد مورد بررسی فرض گرفته میشود. در این حالت مواردی که دارای بیشترین شدت یا مواردی که دارای شدت متفاوتی هستند به طور سیستماتیک انتخاب و مقایسه می‌شوند. (فلیک، ۱۳۸۸، ص. ۱۴۳)
۵. منظور از رابطه‌ی صمیمانه‌ی جسمی برقراری روابط جسمی بدون تحریک جنسی یا با کمترین میزان تحریک جنسی مانند دست یکدیگر را گرفتن دست دادن و بوسیدن است.



کدگذاری نظری دومین عنصر در نظریه پردازی داده محور است که شامل چهار نوع تکنیک کدگذاری باز<sup>۱</sup>، محوری<sup>۲</sup>، گزینشی<sup>۳</sup> و فرایند<sup>۴</sup> میباشد. فرایند کدگذاری متون در تحقیق حاضر به این شکل بوده است که ابتدا متون حاصل از مصاحبه‌ها به شیوه کدگذاری باز تقطیع شده و مفاهیم اولیه از آن استخراج شده اند. سپس با کمک کدگذاری محوری مقوله‌های اصلی استخراج شده در کدگذاری باز، به مقوله‌های فرعی ربط داده شده است. اساس برقراری ارتباط در این مرحله مدل پارادایمی ارائه شده در روش استراوس و کربین میباشد. اجزا تشکیل دهنده یا مؤلفه‌های پارادایم عبارت است از: ۱- شرایط<sup>۵</sup> که عبارت است از کل اوضاع و احوال یا موقعیتی که پدیده در آن جای دارد، ۲- عمل/ تعامل‌ها که پاسخ‌های راهبردی یا معمولی هستند که افراد یا گروه‌ها به مسائل یا امور و رویدادهایی میدهند که تحت آن شرایط پدید می‌آیند و ۳- پیامدها که نتایج اعمال و تعامل‌هایی است که افراد و گروه‌ها تحت شرایط موجود صورت داده‌اند (استراوس و کربین، ۱۳۹۱، ص. ۱۵۰). در تحلیل داده‌ها علاوه بر دو کدگذاری باز و محوری از کدگذاری فرایند برای کشف ویژگی‌های پیش رونده‌ی تعامل و تأثیر آن بر ساختار نیز استفاده شده است. لازم به ذکر است که به دلیل کم بودن نمونه‌های تحقیق و نرسیدن به درجه اشباع امکان استفاده از کدگذاری گزینشی و استخراج نظریه در تحقیق حاضر وجود نداشته و به شناسایی الگوهای علل و فرایندهای شکل‌گیری روابط جنسی پیش از ازدواج اکتفا شده است.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
رتال جامع علوم انسانی

۱. کدگذاری باز در نظریه پردازی داده محور فرایندی تحلیلی است که طی آن مفاهیم شناسایی و بر اساس خصائص و ابعادشان بسط داده می‌شوند. (فلیک، ۱۳۸۸، ص. ۳۳۳).
۲. کدگذاری محوری در نظریه پردازی داده محور فرایند مرتبط کردن مقوله‌های فرعی به مقوله‌های اصلی تر را شامل می‌شود. (فلیک، ۱۳۸۸، ص. ۳۳۵).
۳. کدگذاری گزینشی کدگذاری محوری را در سطح انتزاعی تری ادامه می‌دهد و در این مرحله شکل‌گیری و پیوند هر دسته بندی با سایر گروه‌ها شریح میشود. در نتیجه ی این نوع کدگذاری شکل فرمول بندی شده و شرح و بسط داده شده ای از سرگذشت مورد به دست خواهد آمد. (فلیک، ۱۳۸۸، ص. ۳۳۷)
۴. منظور از کدگذاری فرایند زنجیره پیش رونده عمل/ تعامل است یعنی همان تغییراتی که می‌تواند منجر به تغییر در شرایط ساختاری شود. (استراوس و کربین، ۱۳۹۱، ص. ۱۸۳)
۵. شرایط به دو دسته ی شرایط علی و دخیل تقسیم می‌شوند. منظور از شرایط علی آن دسته از رویدادها و وقایعی است که بر پدیده‌ها اثر میگذارد و منظور از شرایط دخیل آن دسته از شرایطی است که شرایط علی را تخفیف یا به نحوی تغییر میدهند. (استراوس و کربین، ۱۳۹۱، ص. ۱۵۳ و ۱۵۴)

## یافته‌ها

در بررسی حاضر تعداد ۱۰ مشارکت‌کننده‌ی زن مجرد که در دامنه‌ی سنی ۲۰ تا ۳۰ سال قرار داشته‌اند مورد مطالعه قرار گرفته‌اند. تعداد روابط دوستی تجربه شده اکثر مشارکت‌کنندگان بین ۱ تا ۳ نفر بوده و شدت رابطه‌ی آنها با جنس مخالف نیز در سه حد رابطه‌ی صمیمانه‌ی جسمی (۳ نفر)، رابطه‌ی جنسی غیر واژینال (۵ نفر) و رابطه جنسی واژینال (۲ نفر) بوده است. ۹ نفر از مشارکت‌کنندگان دارای تحصیلات لیسانس بوده‌اند و ۱ نفر نیز دارای تحصیلات کارشناسی ارشد بوده است.

۴ الگوی اصلی شکل‌گیری روابط جنسی پیش از ازدواج که در تحقیق حاضر شناسایی شده‌اند عبارت است از؛ روابط دوستی سنتی، رابطه جنسی پیش از ازدواج مبتنی بر روابط عاشقانه، رابطه جنسی پیش از ازدواج مبتنی بر عشق سیال و رابطه جنسی پیش از ازدواج مبتنی بر روابط ضد عاشقانه (فریب).

نمودار شماره ۱ نشان دهنده الگوی روابط دوستی سنتی است و بیانگر شرایط بستر ساز اقدام به دوستی با جنس مخالف و فرایندهای موجود در روابط دوستی کسانی است که بیشتر از سایرین پایبند ارزشهای جنسی سنتی و باورهای مذهبی بوده‌اند. شرایط بستر ساز اقدام این افراد به دوستی با جنس مخالف عبارت‌اند از؛ کنجکاوی و میل به تجربه دوستی با جنس مخالف، نیاز جنسی، احساس تنهایی، تصور یافتن مرد ایده آل، آشنایی به قصد ازدواج، وقت‌گذرانی، تحریک شدن از طرف دوستان برای برقراری رابطه، اصرار مرد برای برقراری رابطه و فشارروانی ناشی از شرایط کنکور. عمل فرد در مقابل شرایط اولیه اقدام به دوستی با جنس مخالف بوده است. فرایند پیش روی رابطه در این تیپ، آشنایی‌های اولیه پس از شروع دوستی، افزایش صمیمیت با افزایش تعاملات کلامی و دیداری و ایجاد دلبستگی عاطفی میان طرفین بوده است. پس از این مراحل تعامل جسمانی بین دختر و پسر شکل گرفته و افراد وارد حداقل رابطه‌ی صمیمانه‌ی جسمانی یعنی دست گرفتن شده‌اند. دلایل مطرح شده از سوی مشارکت‌کنندگان برای اقدام به دست گرفتن عبارت است از؛ هیجان‌ات جنسی، دلبستگی عاطفی به طرف مقابل، ناتوانی زن از رد درخواست مرد با وجود نارضایتی از دست گرفتن.

۱. لازم به ذکر است که تیپ‌های دوم تا چهارم شبیه سنخ‌های شناخته شده در تحقیق آقای ازاد ارمکی (۱۳۹۰) بوده و بنابراین از همان نام گذاری‌ها در این تحقیق استفاده شده است.

علاوه بر این برخی از افراد برای کاهش تردیدها و تضادهای دورنی در مورد عمل دست گرفتن اقدام به توجیهاتی<sup>۱</sup> همچون داشتن قصد ازدواج با طرف مقابل و امکان کنترل رابطه‌ی جسمی به دلیل فاصله مکانی زیاد کرده اند. مشارکت کننده ۱ در این رابطه اظهار داشته است:

« من با دست دادنم مخالف بودم (عدم موافقت با برقراری رابطه جسمی) ولی خوب بالاخره زیر بار رفتم دیگه (ناتوانی از مخالفت با درخواست مرد)، این دست دادنم بخاطر این حالا می‌شه گفت قبول کردم چون ما خیلی کم همدیگه رو میبینیم، خیلی کم، گفتم می‌تونم خیلی همین کمی هم که هست مثلاً می‌تونم خیلی کمش کنم (پذیرش رابطه جسمی با تصور امکان کنترل رابطه جسمی به دلیل محدودیت‌های ارتباطی)، ...»

دلایلی که مشارکت کنندگان برای محدود کردن روابط خود به حداقل رابطه جسمی یا همان دست گرفتن عنوان کرده‌اند عبارت است از: باور به گناه بودن روابط جنسی خارج از ازدواج، ارزشهای اجتماعی جنسی مبنی بر نفی روابط جنسی پیش از ازدواج، داشتن تصورات منفی نسبت به روابط جنسی خارج از ازدواج به دلیل تجربه‌ی منفی دوستان در این زمینه، تلاش برای حفظ عزت نفس با حفظ بدن از دسترس مردان، ترس از تخریب تصویر مثبت اولیه در ذهن دوست جنس مخالف با برقراری رابطه‌ی جنسی پیش از ازدواج و تحت تأثیر قرار گرفتن موقعیت ازدواج، ترس از دست دادن بکارت، ارزشهای جنسی و مذهبی حاکم بر خانواده، اطمینان نسبی نسبت به ازدواج با دوست جنس مخالف و امکان کسب لذات جنسی در زندگی مشترک، موقتی و غیر متعهدانه بودن رابطه دوستی و احساس عدم امنیت روانی برای برقراری رابطه جنسی، فاصله‌ی مکانی و محدودیت ملاقات‌های حضوری. لازم به ذکر است مهم‌ترین دلایل عنوان شده برای محدود کردن رابطه از سوی افراد باورهای مذهبی، موقتی و غیر متعهدانه بودن رابطه و امکان تخریب تصور مرد طی برقراری رابطه بوده که

۱. فستینگر در نظریه‌ی «ناهماهنگی شناختی» به توضیح فرایند توجیه خود پرداخته است. بر طبق این نظریه وقتی که شخصی کاری را انجام می‌دهد، تلاش می‌کند تا در صورت امکان خود و دیگران را متقاعد سازد که عملش منطقی و معقول بوده است. ناهماهنگی شناختی اساساً حالتی از تنش است که از داشتن دو شناخت (پندارها، نگرشها، باورها، عقاید) همزمان که از نظر روانشناختی نامتجانس هستند حاصل می‌شود بنا بر مفروضات زیر بنایی این نظریه این انگیزه در انسان وجود دارد که تصور کند فکر و عملش درست است. (اروسون، ۱۳۶۹: ۱۰۲-۱۰۷). یکی از تعیین کننده‌های مهم برای این که آیا شخص پس از تصمیم‌گیری به تحریف و بازاریابی آن اقدام می‌کند یا نه، برگشت ناپذیری آن تصمیم است این بدان معنی است که اگر مردم نتوانند در مورد تصمیم خود اقدامی بکنند نسبت به درستی آن اطمینان بیشتری پیدا می‌کنند و به توجیه خود اقدام می‌کنند. (اروسون، ۱۳۶۹: ۱۱۹).

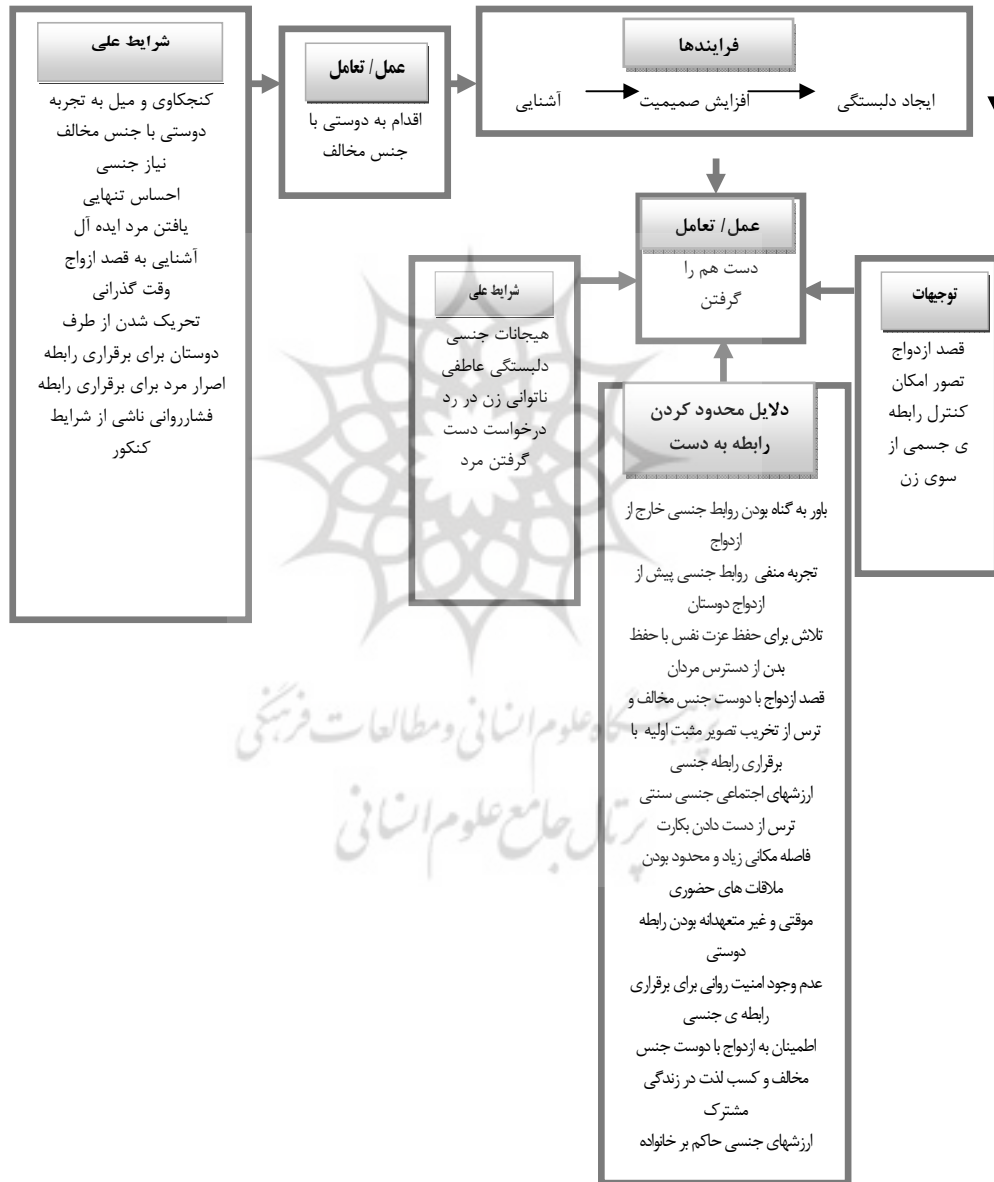
موجب شده تا افراد با بیان توجیهاتی همچون امکان کسب لذت در زندگی مشترک از وارد شدن به روابط صمیمانه جسمی و یا جنسی خودداری کنند. اظهارات مشارکت کنندگان ۱ و ۲ بیانگر این مطلب می‌باشد.

« خب ببین هر کسی به یه چیزی اعتقاد داره، من خودم خیلی برام باارزش بود که تو روابط دوستی خیلی چیزها رو حفظ بکنم، ارزش خودم حفظ بکنم (حفظ عزت نفس با وارد نشدن به رابطه‌ی جنسی) خب اگه با طرف قصد ازدواج داشته‌م که دیگه باید شدید تر حفظ می‌کردم (قصد ازدواج مانعی برای برقراری رابطه‌ی جنسی) مردا این جورین وقتی میبینن یه دختری خودش رو راحت در اختیارشون قرار میده مطمئنا فکر میکنند اون دختر ممکنه خودش رو راحت در اختیار صدها نفر دیگه هم قرار میده، (باور به تخریب تصویر مثبت اولیه مرد از زن با برقراری رابطه جنسی)... ولی کسی که خودش حفظ میکنه تو رابطه‌ی دوستی به نظر من برای مرد خیلی باارزش تره.. (ارزش بودن خودداری زن از رابطه‌ی جنسی پیش از ازدواج برای مردان) »

« ولی خب بزرگترین دلیلی که باهاش نمیخوابم همون اعتقادمه (باورهای مذهبی مانعی برای رابطه جنسی پیش از ازدواج)، چون من میدونم با این هدفی که دارم پیش میرم (قصد ازدواج) به اون لذتاشم می‌تونم برسم اگه همون جوری پیش بره هر چیزی به وقتش پیش میاد خودش، نیازی نداره من زودتر برم استقبالش (امکان کسب لذت جنسی در زندگی زناشویی). نمودار شماره ۲ نشان دهنده الگوی روابط جنسی پیش از ازدواج مبتنی بر روابط عاشقانه است<sup>۱</sup>. شرایط علی اولیه برای اقدام به دوستی با جنس مخالف در این تیپ بسیار شبیه به تیپ اول می‌باشد. ویژگی‌های ظاهری مرد، ویژگی‌های اخلاقی و شخصیتی مرد، آشنایی به قصد ازدواج، احساس تنهایی، فشار هنجار گروه دوستان مبنی بر داشتن دوست جنس مخالف، تصور یافتن فرد ایده آل، تحریک شدن از طرف دوستان برای برقراری رابطه، اصرار مرد برای برقراری رابطه و نیاز جنسی شرایط علی اولیه ای هستند که بستر ساز اقدام فرد به دوستی با جنس مخالف می‌باشند.

۱. لازم به ذکر است هیچ یک از افراد مورد بررسی در این تحقیق دارای روابط عاشقانه همخانگی نبوده و منظور از روابط عاشقانه در اینجا همان روابط دوست دختر- دوست پسری می‌باشد.

نمودار ۱. روابط دوستی سنتی



فرایند برقراری رابطه در این تیپ عبارت است از آشنایی اولیه، افزایش صمیمت با گسترش تعاملات کلامی و دیداری، ایجاد دلبستگی میان طرفین، دست هم را گرفتن و بیان تمایل به برقراری رابطه‌ی صمیمانه‌ی جسمی (معاشقه<sup>۱</sup>) در گفت و گویای دوستانه. معمولاً تقاضای رابطه‌ی جسمی (معاشقه) از جانب مرد بوده و با مقاومت اولیه زن مواجه شده است. ترس از کشیده شدن رابطه به سکس، نادرست دانستن روابط جسمی و جنسی پیش از ازدواج، ترس از خانواده، ترس از تخریب تصویر مثبت اولیه نزد دوست جنس مخالف با برقراری رابطه‌ی صمیمانه‌ی جسمی و جنسی از جمله دلایل عنوان شده از سوی مشارکت‌کنندگان برای مقاومت اولیه در برابر رابطه صمیمانه جسمی (معاشقه) می‌باشد. شیفتگی زن و تفسیر گرای دینی موجود در او دلایل عمده‌ی تردید و تغییر نظر اولیه زن در مورد برقراری رابطه‌ی صمیمانه جسمی (معاشقه) می‌باشد. بیانات مشارکت‌کننده ۴ نشان دهنده‌ی این امر می‌باشد:

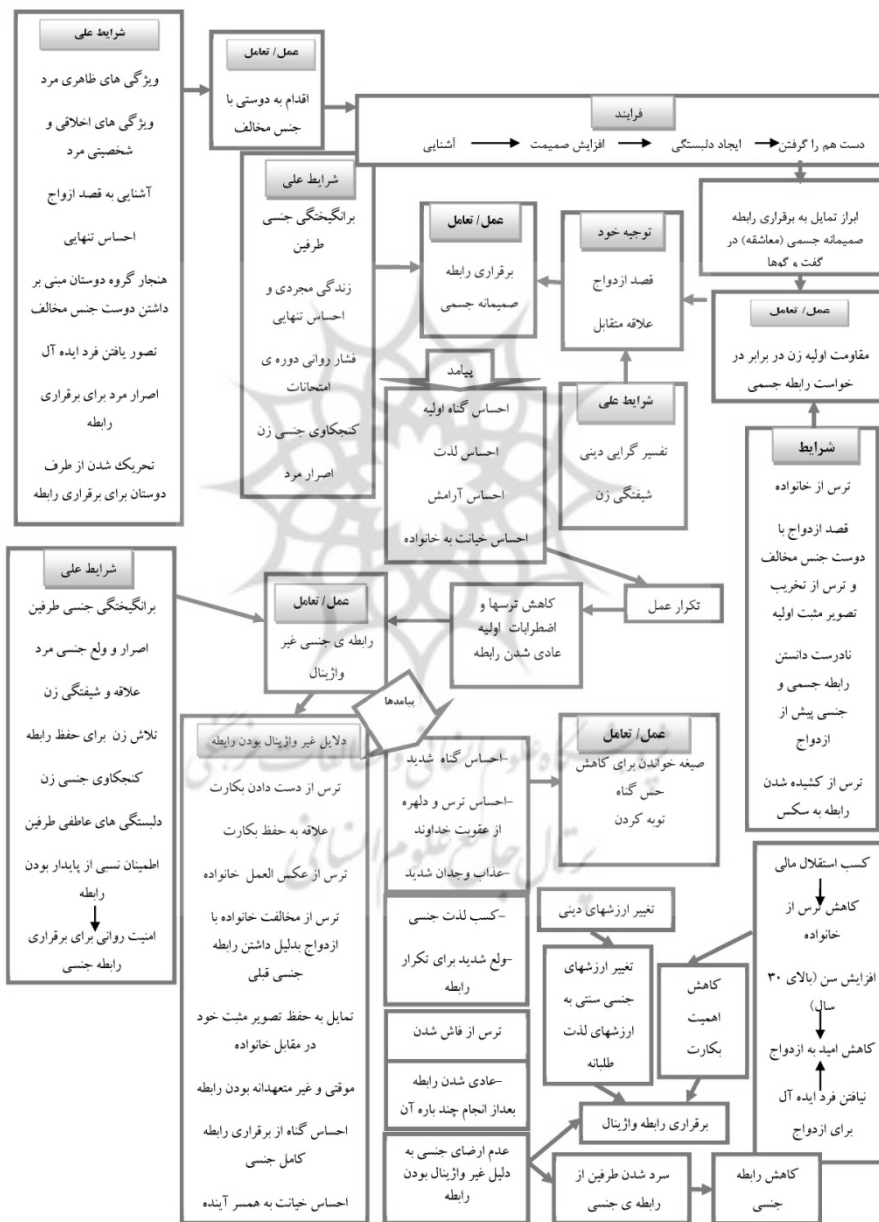
«م. ۴. من به تفسیر قرآن زیاد اعتقاد ندارم می‌گم من درکم اینقدره پس همین قدرم از قرآن درک میکنم (تفسیر گرای دینی) مثلاً شاید یه کاری از نظر بقیه گناه ولی تو اون کار و بکنی احساس خیلی پشیمونی و گناه هم نکنی شاید اون کار بهت لذت بهم بدی این کار گناه نیست (تفسیر گرای دینی)... خب من قبل از اینکه وارد این رابطه بشم معاشقه رو خیلی گناه میدونستم ولی وقتی وارد یه رابطه ای میشی یه طرف و خیلی دیگه دوش داری اصلاً بعضی چیزا برات دیگه معنی نداره (تغییر دیدگاه نسبت به گناه بودن رابطه‌ی جسمی و جنسی پس از وارد شدن به رابطه دوستی) مثلاً نامحرم دیگه تو این رابطه واسه من معنی نداره چون درست ما هنوز ازدواج نکردیم ولی باز احساس میکنم چون من اونو دوست دارم اونم من و دوست داره و ما ناخودآگاه به هم محرم شدیم (علاقه و خواست دو طرفه ملاک محرمیت)... من می‌گم اون صیغه چی می‌گه؟ می‌گه مثلاً شما دو تا راضیین؟ یه همچین چیزی داره می‌گه وقتی ترجمش میکنی، خب می‌گم من که راضیم اونم که راضی پس این وسط چیز حرومی وجود نداره من خودم خودم و اینطوری توجیه میکنم (تفسیر گرای دینی؛ علاقه توجیه‌کننده رابطه‌ی جنسی و جسمی)...»

از جمله عوامل دیگر برقراری رابطه صمیمانه‌ی جسمی (معاشقه) برانگیختگی جنسی

۱. منظور از معاشقه اعمالی همچون بوسیدن، درآغوش گرفتن و نوازش می‌باشد که الزاماً قبل از رابطه‌ی جنسی اتفاق نمی‌افتد.

طرفین، زندگی مجردی و احساس تنهایی، فشار روانی ناشی از دوره امتحانات، کنجکاوی جنسی زن و اصرار مرد برای معاشقه میباشد. احساس گناه، احساس لذت، احساس آرامش و احساس خیانت به خانواده احساسات تجربه شده در اولین مرتبه‌ی معاشقه بوده که با تکرار معاشقه اضطرابات و ترسهای اولیه کاهش یافته و داشتن رابطه تبدیل به امری عادی شده است. به طور معمول پس از انجام معاشقه افراد وارد رابطه‌ی جنسی غیر واژینال شده‌اند و در برخی مواقع نیز به دلیل فاصله‌ی مکانی و محدودیت‌های ارتباطی معاشقه و رابطه‌ی جنسی در یک مرحله اتفاق افتاده است. برانگیختگی جنسی طرفین، اصرار و ولع جنسی مرد، علاقه و شیفتگی زن، تلاش زن برای حفظ رابطه، کنجکاوی جنسی زن، دلبستگی عاطفی طرفین و اطمینان نسبی از پایدار بودن رابطه شرایط بستر ساز برقراری رابطه جنسی در دوستی با جنس مخالف می‌باشد. در این مرحله نیز همانند مرحله معاشقه فرد با توجهاتی همچون قصد ازدواج و علاقه‌ی متقابل از عذاب وجدان و تردیدهای اولیه در مورد برقراری رابطه‌ی جنسی کاسته است. احساس گناه، ترس از عقوبت خداوند، عذاب وجدان شدید، کسب لذت جنسی، ترس از فاش شدن رابطه و ولع شدید برای تکرار رابطه احساسات فرد بعد از اولین مرتبه‌ی رابطه‌ی جنسی بوده است. علاوه بر این در خواست توبه و صیغه خواندن راهکارهای فرد برای کاهش عذاب وجدان ناشی از انجام رابطه‌ی جنسی بوده است. لازم به ذکر است که تکرار چند باره رابطه موجب عادی شدن آن و کاهش احساس گناه و اضطراب اولیه شده است. عدم ارضای جنسی در رابطه‌ی غیر واژینال در برخی موارد موجب سرد شدن طرفین از رابطه و به تبع آن کاهش رابطه و در برخی موارد دیگر موجب برقراری رابطه‌ی جنسی واژینال شده است. دلایل عنوان شده از سوی مشارکت کنندگان برای اقدام به رابطه‌ی جنسی غیر واژینال ترس از دست دادن بکارت، علاقه به حفظ بکارت به عنوان سلاحی در برابر مرد، ترس از آگاهی و عکس العمل خانواده، ترس از مخالفت خانواده‌ها با ازدواج بدلیل داشتن رابطه‌ی جنسی قبلی، تمایل به حفظ تصویر مثبت خود در مقابل خانواده، موقتی و غیر متعهدانه بودن رابطه‌ی دوستی، احساس گناه از برقراری رابطه‌ی کامل جنسی و احساس خیانت به همسر آینده می‌باشد. لازم به ذکر است که مشارکت کنندگان مهم‌ترین موانع برقراری رابطه‌ی جنسی واژینال را باورهای مذهبی و اهمیت بکارت دانسته‌اند.

نمودار ۲. الگوی روابط جنسی پیش از ازدواج مبتنی بر روابط عاشقانه





در افرادی که رابطه‌ی جنسی غیر واژینال در رابطه آنها تبدیل به واژینال شده است از یک سو با عللی همچون کاهش اهمیت بکارت برای دختر به دلایل افزایش سن دختر به بالای ۳۰ سال، نیافتن فرد ایده آل برای ازدواج و به تبع آن کاهش امید به ازدواج، کسب استقلال مالی و کاهش ترس از خانواده رو به رو هستیم و از سوی دیگر با تغییر ارزشهای جنسی سنتی در فرد به ارزشهای لذت طلبانه که در آن کسب لذات جنسی بر حفظ پرهیزکاری جنسی مقدم می‌باشد. لازم به ذکر است که تغییر ارزشهای جنسی سنتی در فرد خود معلول تغییر ارزشهای دینی اولیه و سکولاریزه شدن فرد بواسطه‌ی افزایش سطح تحصیلات و تغییر ارزشهای اجتماعی می‌باشد.

الگوی سوم روابط جنسی پیش از ادواج مبتنی بر عشق سیال می‌باشد و علل و فرایندهای شکل‌گیری آن در نمودار شماره ۳ به تصویر کشیده شده است. این الگو منبعث از تجربیات و روابط مشارکت کننده ۶ می‌باشد که از رابطه‌ی دوستی صرف به سمت تعدد طلبی جنسی و تجربه عشق سیال حرکت کرده است.

تجربه مشاهده‌ی رابطه‌ی جنسی والدین و خیانت والدین به یکدیگر در دوران کودکی دو عامل مؤثر در بلوغ جنسی زودرس فرد و عادی شدن امور جنسی برای او می‌باشند. این دو عامل اولیه به همراه ناسازگاری و اختلاف والدین موجب شکل‌گیری احساس تنهایی و عدم امنیت روانی در فرد شده است. علاوه بر این مطالعه‌ی کتب و مجلاتی با محتوای عشقی و جنسی که به دلیل فضای حاکم بر خانواده در دسترس کودک قرار داشته از جمله عواملی است که هم به بلوغ جنسی زود رس فرد کمک کرده و هم او را از دوران کودکی با مفاهیمی همچون خیانت و تعدد طلبی جنسی آشنا نموده است. در نتیجه شرایط اولیه موجب شکل‌گیری تعریفی از مفهوم عشق برای فرد به عنوان امری نسبی و ناپایدار شده است. علاوه بر این شرایطی همچون بلوغ جنسی زود رس، احساس عدم امنیت روانی و احساس تنهایی موجبات تمایل فرد به برقراری رابطه‌ی دوستی با جنس مخالف را در سنین پایین (۱۲ سالگی) فراهم کرده است. اولین رابطه‌ی برقرار شده از سوی فرد تنها در حد گفت و گوی صمیمانه بوده و پس از مدتی خاتمه یافته است. اولین تجربه فرد از رابطه‌ی صمیمانه‌ی جسمی (بوسیدن) در سومین رابطه‌ی برقرار شده توسط او اتفاق افتاده است. تجربه‌ی عمل بوسیدن برای فرد با احساس دلهره، لذت و میل به تکرار عمل همراه بوده و هیچ نوع احساس گناه و یا عذاب

وجدان را برای فرد به همراه نداشته است. این تجربه حاکی از ارزشهای جنسی حاکم بر خانواده و تربیت جنسی دوران کودکی فرد است. این فرد در روابط بعدی خود اقدام به برقراری رابطه‌ی جنسی غیر واژینال کرده و دلایل این امر را کسب لذت جنسی و ابراز محبت زیاد دوست جنس مخالف و به نوعی مدیون شدن به او میداند. فرد با وجود کسب لذت جنسی به دلیل عدم وجود درک متقابل و نبود احساس یگانگی با دوست جنس مخالف از رابطه‌ی جنسی خود احساس رضایت نداشته و دچار نوعی عذاب وجدان پس از رابطه شده است.

«میدونین خب خیلی هم دوستش نداشتم علیرضا رو و اصلاً خیلی عوالممون با هم کاملاً متفاوت بود و یک رابطه ای بود، من برای فرار از خیلی چیزها به اون رابطه پناه آورده بودم برای فرار از اون محبتی که میشه گفت که مثلاً من توی خونه نداشتم (کمبود محبت و احساس تنهایی علت برقراری رابطه دوستی) رفته بودم توی این رابطه و خب خیلی به من محبت میکرد انصافاً من فکر می‌کنم یکی از دلایلی که باعث شد من اینقدر توی رابطه باهاش پیش برم همین محبت کردنهاش بیش از حدش بود (ابراز محبت زیاد دوست جنس مخالف یکی از دلایل برقراری رابطه‌ی جنسی).. من تا اونجایی که علیرضا بدن برهنه‌ی من و دید کاملاً احساس گناه میکردم گناه، که چون میدونین چیه اون موقع هم اون نگاه محرم بودن و بهش نداشتم به علیرضا می‌دونین چون هنوز وارد یک جاهایی از من نشده بود، من اعتقاد دارم تو قبل از اینکه بدنت رو به یک فرد نشون بدی روحت رو نشون میدی و قبل از اینکه بدن یک فرد رو ببینی روحت رو میبینی و اون زوایایی از من رو ندیده بود که بخواد به من نزدیک بشه (احساس عذاب وجدان از برقراری رابطه‌ی جنسی به دلیل عدم درک متقابل)»

به طور کلی میتوان علل برقراری روابط دوستی متعدد در این فرد را دارا بودن الگوهای رفتاری با تعدد طلبی جنسی، تمایل به کسب بیشتر لذت جنسی، نسبی گرایی در عشق و احساس تنهایی دانست. مشارکت کننده در مرحله‌ی بعدی اقدام به برقراری رابطه‌ی جنسی واژینال نموده است. شرایط مؤثر در برقراری رابطه‌ی واژینال توسط فرد مصرف مشروبات الکلی و میل به از میان برداشتن محدودیت‌های اجتماعی موجود برای او بوده است.

«خب رابطه کامل جنسی همین سال ... بود و حقیقتش رو بخواین در حالت طبیعی نبودم، مست بودم و فکر میکنم اگر در حالت طبیعی بودم اون کار و انجام نمیدادم (مستی دلیل

برقراری رابطه جنسی واژینال)، حالا خیلی هم مست نبودم حقیقتاً کاملاً کنترل داشتم روی رفتار خودم، ولی خب معمولاً وقتی که کله آدم گرم آدم یک سری محدودیتها رو واسه‌ی خودش کنار می‌زنه (میل به از میان برداشتن محدودیت‌های اجتماعی در حین مستی)، اصلاً اینجوری نبود که به زور باشه و فقط اون محدودیت‌هایی که بود اون چیزایی که مثلاً من گاهی وقتها خودم رو مقید می‌دونستم، خب ما داریم در جامعه‌ی زندگی میکنیم که بکارت برای یک دختر حرف اول رو میزنه و توی اون لحظه فکر میکنم بواسطه‌ی الكل من به این موضوع فکر نکردم (کاهش اهمیت بکارت در حین مستی) «

نکته‌ی قابل تأمل در اینجا سیر تغییر ارزشها و ایده‌های جنسی فرد در تجربیات جنسی مختلف او می‌باشد. به طور مثال فرد عنوان کرده است که پس از، از دست دادن بکارت شروع به توجیه خود و ساخت و پذیرش ایده‌ها و باورهای جدید نموده است.

« حالا حقیقتاً دارم این و پیش شما اعتراف میکنم حقیقتاً بعدش آدم برای توجیه خودش خیلی عقاید رو برای خودش ایجاد میکنه و باور میکنه (توجیه خود برای پذیرش تبعات از دست دادن بکارت)، خودم رو توجیه کردم که اولاً من اصلاً آدمی نیستم که بخوام هیچ روزی در زندگیم ازدواج کنم هیچ وقت، گفتم که تو که نمی‌خوای ازدواج کنی فلان و اینا، بعد خودم رو باز هم توجیه کردم اینکه حتی اگر بخوام روزی ازدواج کنم قطعاً مرد زندگی من قبلش تجربه داشته و خیلی بی‌انصافی بوده در حق من که من بکر و دست نخورده باشم و اون نیم خورده‌ی بقیه افراد باشه که به من میرسه و میگم اینا همش توجیه بود برای اینکه کارم رو توجیه کنم و خب الان اصلاً احساس ناراحتی بخاطرش اصلاً و ابداً نمیکنم (نداشتن احساس ناراحتی برای از دست دادن بکارت)، اصلاً زن شدن خودش پروسه‌ی ای که نگاهت رو به خیلی چیزها تغییر می‌ده تفکراتت رو عوض می‌کنه اگر مثلاً تو قبلاً به تنه‌ی درختها نگاه می‌کردی فقط الان وقتی زن میشی به شاخ و برگشون هم نگاه میکنی به جزئیات برگها هم نگاه می‌کنی (تغییر رویکرد به جهان اطراف با از دست دادن بکارت) من اینطوریم من نگاهم به زن شدن اینطوره من اصلاً اندوهش و نکشیدم من اصلاً اندوه زن شدن رو نداشتم من خوشحالی زن شدن داشتم اینکه بزرگ شدم اینکه همیشه اسمش و گذاشت کامل شدن ولی قدمی برداشتم رو به تکامل... (از دست بکارت افزایش تکامل فکری) «

شرایط و علل اولیه‌ی ای همچون داشتن تجربه‌ی نخستین، تجربه‌ی خیانت والدین به

یکدیگر، مطالعه کتب و مجلاتی با محتوای جنسی و عشقی، ناسازگاری و اختلاف والدین با یکدیگر، عدم سازگاری اخلاقی والدین و به تبع آن عدم پذیرش تضادهای ارزشی موجود در خانواده توسط فرد و تجربه‌ی روابط جنسی متعدد توسط فرد به شکل دهی ارزشها و هنجارها و ایده‌های جنسی متفاوتی در فرد کمک کرده است که محوریت آنها نسبی بودن عشق، تعدد شرکای جنسی، لذت طلبی جنسی و دوستانه و سطحی بودن روابط جنسی است.

« برای من تقریباً همیشه گفت رابطه‌ی جنسی یکیش بخاطر حس نیازه یکیش بخاطر عشق به مخلوطی از این دو تاست و یک مقدارشم بخاطر دانایی می‌دونی من اعتقاد دارم که این پروسه من و بزرگ می‌کنه یعنی به نگاهی بهش دارم ازش بعنوان یه ابزاری استفاده میکنم واسه‌ی بزرگ شدن خودم (لذت طلبی، رفع نیاز عاطفی و رشد فکری سه محرک در برقراری رابطه‌ی جنسی پیش از ازدواج).. واقعاً نمیدونم چرا من اینطوریم ولی تا حالا نشده که اذیتم کنه یعنی خب سه بار پیش اومده این جریان که من با یه آدمی غیر از محسن خوابیده باشم (تعدد شرکای جنسی)، ا یک بارش که همین چند روز پیش بود بخاطر خستگی بود واقعاً بخاطر اینکه حال این آدمو بهتر کنم یعنی کاملاً این جنبه‌ی درمانی داشت (نسبی‌گرایی در ارزشهای جنسی؛ برقراری رابطه جنسی برای کمک روانی)، یک بار دیگش بخاطر این بود که محسن اون موقع با من تموم کرده بود و دیگه با من رابطه نداشت توی اون تایم زمانی بود و خودم میخواستم که این کار رو انجام بدم و یک بار دیگشم میدونین یه حس سوسویی بود یعنی هم بخاطر خودم بود هم بخاطر اون آدم بود (برقراری رابطه جنسی با فردی که دارای رابطه دوستانه و سطحی و نه عاشقانه است) ... »

لازم به ذکر است که فرد در طی روابط متعدد با جنس مخالف به تدریج از نگاه غایت‌گرایانه به رابطه‌ی جنسی (اعجاب‌انگیز دانستن اولیه رابطه‌ی جنسی و تمایل و ولع زیاد برای کسب لذات جنسی) به سمت نگاه کارکرد‌گرایانه و ابزاری حرکت کرده است. در آخرین مرحله فرد با وجود حفظ تمام ایده‌های قبلی در مورد رابطه جنسی، تمایل بیشتری به برقراری رابطه‌ی جنسی تنها با یک شریک جنسی پیدا نموده است و دلیل این امر را گسترش بیماری‌های مقاربتی می‌داند.

نمودار ۳. الگوی رابطه جنسی پیش از ازدواج مبتنی بر عشق سیال



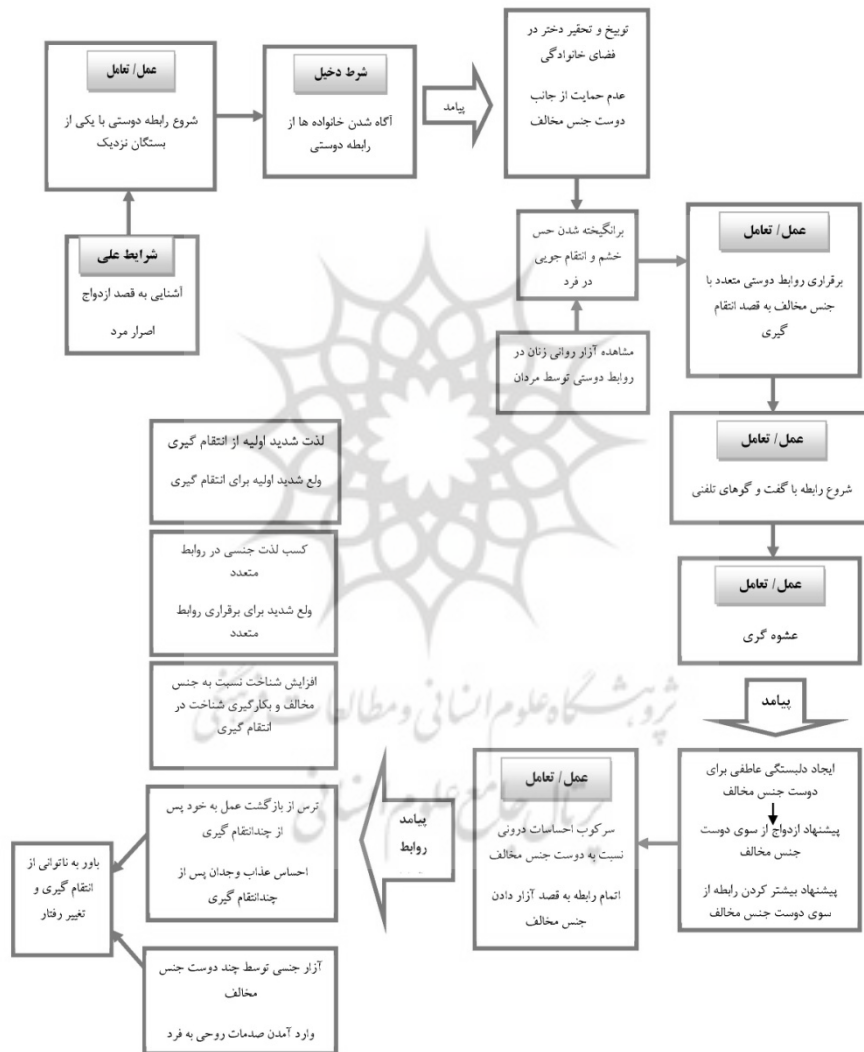
الگوی چهارم روابط جنسی پیش از ازدواج مبتنی بر روابط ضد عاشقانه است. در این الگو با فردی (مشارکت کننده ۷) رو به رو هستیم که با هدف آشنایی برای ازدواج و بدلیل اصرار طرف مقابل وارد رابطه‌ی دوستی با یکی از بستگان نزدیک شده اما آگاهی خانواده از این امر و عدم حمایت از جانب دوست جنس مخالف موجب توییح و تحقیر شدید دختر در خانواده ای با فضایی کاملاً مذهبی شده و باعث ایجاد حس خشم و انتقام جویی در او شده است.

« من فکر کنم تا حالا با صد تا پسر رفیق بودم حالا اگه صد تا هم نباشه خیلی بود(تعدد روابط)...توجیه بگم هر چی با پسر رفیق شدم تقصیر سعید چون میگن تقصیر هیچ کسی نیست خودت عقل داری شعور داری ولی شروع دوستیهای من با پسرا تقصیر سعید بود (مقصر دانستن دوست جنس مخالف در برقراری روابط متعدد) من حتی با سعید رفاقت نکردم به رفاقت داشتم کاملاً سالم آخرش خالم خالم کسی بود که این همه به من تهمت زد و باعث شد من به اینجا کشیده بشم (بی آبرویی و تحقیر در خانواده علت برقراری روابط متعدد با جنس مخالف)

عامل تشدید کننده‌ی دیگری که بر حس انتقام جویی فرد دامن زده است مشاهده‌ی تجربیات منفی دوستان و خواهرش در رابطه با جنس مخالف و آزار روانی آنان در این روابط بوده است. فرد در مقابل این شرایط اقدام به برقراری روابط متعدد دوستی با جنس مخالف و با هدف انتقام‌گیری کرده است. وی با تصور اینکه با وابسته کردن عاطفی پسران و رها کردن آنها همان ضربه‌ی ای را به آنان وارد میکند که آنها به دختران وارد می‌کنند شروع به برقراری روابط متعدد و گاه همزمان با چندین پسر کرده است.

« با خودم گفتم بخاطر انتقام از سهیل شده با پسرا شروع میکنم همشون تا به حد پیش میبرم بعد حالشون و میگیرم ول میکنم سهیل پسره اونا هم پسرن یعنی اون حالش گرفته بشه انگار حال سهیل گرفته میشه یعنی با این تفکر شروع کردم(فریب دادن پسرها به قصد انتقام‌گیری از اولین دوست)...خواهر خودم پیشم بود خواهر خودمم داشت از یک پسری می‌خورد که با هم دوست بودند و من این رو می‌دیدم و گرگ تر میشدم(آزار روانی دخترها در روابط دوستی تحریک کننده حس انتقام‌گیری)... من واسه‌ی این با پسرا بازی می‌کردم که زجر بکشن ببینن این رفتاری که با یه دختر می‌کنن چه طعمی داره(فریب و آزار پسرها به قصد مقابله به مثل) »

نمودار ۴. الگوی رابطه جنسی پیش ازدواج مبتنی بر روابط ضد عاشقانه (فریب)



آغاز رابطه‌ی فرد با جنس مخالف گفت و گوهای تلفنی بوده و فرد با ابراز محبت به دوست جنس مخالف و عشوه گری سعی در وابسته کردن او را داشته است. مدتی بعد از شروع رابطه فرد با پیشنهاد افزایش تعامل کلامی به رابطه جسمی یا جنسی و یا با پیشنهاد

ازدواج از جانب دوست جنس مخالف مواجه شده که در این مرحله با سرکوب احساسات و عواطف خویش و به قصد آزار جنس مخالف رابطه را به اتمام می‌رسانده است. پیامد دوستی‌های متعدد و گاه‌ها همزمان فرد با چندین نفر لذت شدید اولیه از انتقام‌گیری، ولع هر چه بیشتر برای برقراری رابطه با جنس مخالف و به قصد انتقام‌گیری، کسب لذت جنسی در روابط، افزایش ولع برای برقراری رابطه با جنس مخالف، افزایش شناخت نسبت به جنس مخالف با برقراری روابط متعدد و بکارگیری این شناخت برای آزار بیشتر و مورد آزار جنسی قرار گرفتن در چندین رابطه بوده است. فرد پس از مدتی که از شروع انتقام‌گیری دچار احساس عذاب وجدان شده و به این باور رسیده است که این عمل موجب صدمات روحی به خود او نیز شده و تصمیم به تغییر رفتار گرفته است هر چند گاه‌ها باز هم به این عمل مبادرت می‌ورزد. لازم به ذکر است که فرد رابطه‌ی عاطفی نزدیکی با بعضی از دوستان جنس مخالف خود برقرار کرده است اما با این تصور که نباید با موارد انتقام‌گیری خود ازدواج کند به سرکوب احساساتش پرداخته است.

در نتیجه محوریت رابطه در این الگو، فریب دوست جنس مخالف با پوشش عاطفه و با منافی غیر از آنچه توسط فرد عنوان شده است می‌باشد.

### نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر به منظور بررسی و شناسایی علل و فرایندهای شکل‌گیری روابط جنسی خارج از ازدواج در میان زنان مجرد انجام گرفته است. در این تحقیق با استفاده از روش گراندد تئوری و با الهام گرفتن از مدل پارادایمی پیشنهاد شده توسط استراوس و کربین (۱۳۹۱) چهارالگوی کلی از علل و فرایندهای شکل‌گیری روابط جنسی خارج از ازدواج استخراج شده است که عبارت‌اند از؛ روابط دوستی سنتی، رابطه جنسی پیش از ازدواج مبتنی بر روابط عاشقانه، رابطه جنسی پیش از ازدواج مبتنی بر عشق سیال و رابطه جنسی پیش از ازدواج مبتنی بر روابط ضد عاشقانه (فریب).

در هر چهار الگوی ترسیم شده شرایط بستر ساز شکل‌گیری رابطه‌ی دوستی با جنس مخالف و فرایندهای منتهی شدن رابطه دوستی به رابطه‌ی صمیمانه جسمی، جنسی و همچنین میل به تعدد طلبی جنسی ترسیم شده است. الگوی روابط دوستی سنتی به ترسیم علل و



فرایندهای رابطهای دوستی افرادی پرداخته است که پیابندی‌های مذهبی آنها بیشتر از سایرین بوده و به همین علت تنها به برقراری رابطه صمیمانه جسمی اکتفا نموده اند. فرایند برقراری رابطه در این گروه آشنایی، صمیمیت، ایجاد دلبستگی و نهایتاً «دست گرفتن» بوده است. هیجانات جنسی، دلبستگی‌های عاطفی، ناتوانی زن در رد درخواست مرد از جمله علل اقدام به «دست گرفتن» می‌باشد. الگوی دوم مربوط به روابط جنسی عاشقانه است و شامل علل و فرایندهای اقدام به رابطهای جنسی خارج از ازدواج توسط کسانی است که اولاً دارای دلبستگی عاطفی زیادی به دوست جنس مخالف خود بوده‌اند و ثانیاً رویکردی تفسیری تر نسبت به قوانین مذهبی داشته‌اند. این دو عامل اساسی موجب منتهی شدن رابطه این افراد از تعامل کلامی صرف به رابطهای جنسی غیر واژینال یا واژینال شده است. ویژگی اساسی رابطه با جنس مخالف در این تیپ محدود بودن تعداد شرکای جنسی به تنها یک نفر و برقراری رابطه جنسی و عاطفی عمیق با آن فرد است. اکثر افرادی که در این تیپ جای میگیرند به دلایلی همچون ترس از دست دادن بکارت، موقتی و غیر متهدانه بودن رابطه و تمایل به حفظ تصویر مثبت از خود در مقابل خانواده و یا ترس از خانواده از اقدام به رابطه جنسی کامل یا واژینال خود داری نموده‌اند. این در حالی است که تعدادی از افراد به دلیل عدم ارضای جنسی حاصل از غیر واژینال بودن رابطه، کاهش اهمیت بکارت (که به دلایلی همچون کسب استقلال مالی و به تبع آن کاهش ترس از خانواده، افزایش سن و کاهش امید به ازدواج اتفاق افتاده است) و همچنین تغییر ارزشهای جنسی اولیه در آنها از ارزشهای سنتی به لذت طلبانه اقدام به برقراری رابطه جنسی واژینال نموده‌اند.

دارا بودن تجربه مشاهده روابط جنسی والدین و خیانت والدین به یکدیگر در دوران کودکی، مطالعه کتب و مجلاتی با محتوای عشقی و جنسی و ناسازگاری و اختلاف والدین موجب ایجاد بلوغ جنسی زود رس، احساس عدم امنیت روانی و احساس تنهایی در افراد شده و این مجموع عوامل، شرایط بستر ساز شکل‌گیری روابط جنسی مبتنی بر عشق سیال هستند. این مجموع عوامل مذکور موجب شکل‌گیری ویژگی‌هایی همچون نسبی‌گرایی در عشق، تعدد شرکای جنسی، سطحی بودن روابط جنسی و لذت طلبی جنسی شده که هسته اصلی رفتارهای جنسی در این تیپ هستند. و بالاخره تجربه شکست عشقی در اولین رابطه مهم‌ترین علتی است که زمینه ساز شکل‌گیری الگوی رابطه مبتنی بر فریب می‌باشد. هدف

مشارکت کنندگان این تحقیق از برقراری این نوع رابطه گرفتن انتقام اولین تجربه‌ی منفی خود با جنس مخالف در سایر روابطشان می‌باشد.

در میان نظریات مطرح شده نظریه انتخاب عقلانی تبیین کننده بخشی عمده‌ای از رفتار جنسی در الگوی مبتنی بر عشق سیال می‌باشد. در این الگو افراد با مشاهده‌ی پایدار نبودن روابط عاشقانه به این نتیجه رسیده‌اند که عشق امری نسبی بوده و رابطه‌ی جنسی دوستانه و سطحی جایگزین بهتری برای روابط جنسی عاشقانه هستند. همچنین تأکید نظریه انتخاب عقلانی بر توفیق لذت طلبی جنسی به ارزشهای دینی در عصر اخیر هم در الگوی عشق سیال و هم در الگوی روابط عاشقانه مشاهده می‌شود.

در نظریه رفتار برنامه‌ریزی شده بر رابطه بین نگرش و هنجار ذهنی فرد نسبت به عمل و اقدام برای عمل تأکید شده است و همانطور که در الگوهای روابط عاشقانه و عشق سیال میبینیم نگرش مثبت تر افراد به رابطه‌ی جنسی پیش از ازدواج (برعکس نگرش افراد در روابط دوستی سنتی) منجر به اقدام بیشتر این افراد به رابطه‌ی جنسی پیش از ازدواج شده است. این نگرش مثبت تر حاصل عواملی همچون جامعه‌پذیری جنسی افراد و دارا بودن رویکرد تفسیری تر به دستورات دینی می‌باشد.

می‌توان از نظریه رفتار بین فردی برای توضیح الگوی مبتنی بر روابط عاشقانه سود جست. در این الگو از یک سو ارزشها و هنجارهای اجتماعی مبتنی بر بکارت نقش بسیار مهمی در وارد نشدن افراد به رابطه‌ی جنسی واژینال ایفا می‌کنند و از سوی دیگر احساسات و عواطف شدید موجب میشود تا فرد علی‌رغم باورهای اولیه دست به توجیه خود زده و وارد معاشقه و رابطه‌ی جنسی غیر واژینال گردد. تأثیر عوامل اجتماعی بر شکل‌گیری رفتار در روابط دوستی سنتی نیز قابل مشاهده است چنانکه افراد به دلیل تصورات هنجاری از «زن خوب» و ترس از بکارت از اقدام به رابطه جنسی خارج از ازدواج خودداری نموده‌اند. همچنین می‌توان نظریه‌ی یادگیری اجتماعی را برای تحلیل رفتارهای سه الگوی دوستی سنتی، عشق سیال و فریبکاری بکار گرفت. در الگوی روابط دوستانه تجربه‌ی منفی دوستان یکی از بازدارنده‌های رابطه جنسی خارج از ازدواج بوده است. در عشق سیال تجربه خیانت والدین به یکدیگر یکی از مهم‌ترین علل زمینه ساز نسبی باوری در عشق و تعدد طلبی جنسی بوده و در نهایت یکی از دلایل میل به انتقام‌گیری از پسران و آزار جنسی آنها در الگوی فریب تجربه دوستان در رابطه

با جنس مخالف بوده است. پیروی از هنجار گروه دوستان در رفتارهای جنسی که در تئوری گروه مرجع مورد تأکید قرار گرفته است نیز در شرایط بستر ساز روابط عاشقانه قابل مشاهده است.

به طور کلی برخی از شرایط اولیه ای که مشارکت کنندگان در هر چهارالگو برای برقراری رابطه‌ی دوستی با جنس مخالف عنوان نموده‌اند مؤید تحقیقات انجام شده در این رابطه می‌باشد. تأثیر احساس تنهایی و کنجکاوای در برقراری رابطه‌ی دوستی با جنس مخالف (مشاهده شده در دوستی سنتی، روابط عاشقانه و عشق سیال) مؤید نتایج تحقیق میرزایی و برغم‌دی (۱۳۸۹) است. تأثیر گروه همسالان در گرایش به برقراری رابطه‌ی دوستی با جنس مخالف (مشاهده شده در روابط عاشقانه) مؤید نتایج تحقیقات باس (۲۰۱۰) و میرزایی و برغم‌دی (۱۳۸۹) می‌باشد. برقراری رابطه‌ی دوستی برای آشنایی بیشتر برای ازدواج (مشاهده شده در دوستی سنتی، روابط عاشقانه و روابط فریبکارانه) نیز نتایج تحقیق کیو (۲۰۰۸) را تأیید میکند. علاوه بر این تأثیر بیتوجهی خانواده‌ها به تأمین نیاز عاطفی فرزندان دختر (مشاهد شده در عشق سیال) در افزایش گرایش آنها به برقراری رابطه‌ی دوستی با جنس مخالف تأیید کننده‌ی نتایج تحقیق کوثری (۱۳۸۳) می‌باشد.

نتایج تحقیق حاضر مبنی بر اهمیت پایبندی‌های دینی افراد به عنوان مانعی در ارتباط جنسی خارج از ازدواج (مشاهده شده در دوستی سنتی و روابط عاشقانه) تأیید کننده‌ی نتایج تحقیقات بسیاری از جمله پل (۲۰۰۰)، بارکان (۲۰۰۶)، یوکر (۲۰۰۸) و میرزایی و برغم‌دی (۱۳۸۹) میباشد. نقش دینداری خانواده و ارزشهای خانوادگی در جلوگیری از اقدام به روابط جنسی خارج از ازدواج (مشاهده شده در دوستی سنتی و روابط عاشقانه) نیز در تحقیقات رفاهی (۱۳۹۱)، منلاو (۲۰۰۶)، میرزایی و برغم‌دی (۱۳۸۹) مورد تأکید قرار گرفته است. علاوه بر این نتایج تحقیق حاضر مبنی بر تمایل افراد به برقراری رابطه جنسی در یک رابطه‌ی متعهدانه و عاشقانه و نه رابطه‌ی موقت (مشاهده شده در دوستی سنتی و روابط عاشقانه) مؤید نتایج تحقیقات لئونارد و جونز (۲۰۱۰) است.

## منابع

- اروسون، الیوت، (۱۳۶۹)، روانشناسی اجتماعی، ترجمه‌ی حسین شکرکن، انتشارات رشد.
- استرواس، انسلم، کرین، جولیت، (۱۳۹۱) مبانی پژوهش کیفی؛ فنون و مراحل تولید نظریه زمینه‌ای، ترجمه ابراهیم افشار، تهران: نشر نی.
- آزاد امکی، تقی، و دیگران (۱۳۹۰)، «سنخ‌شناسی الگوهای روابط جنسی پیش از ازدواج در ایران»، مجله‌ی جامعه‌پژوهی فرهنگی، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، سال دوم، شماره دوم، صص. ۱-۳۴
- برغم‌دی، هادی و میرزایی، خلیل، (۱۳۸۹)، «رابطه با جنس خالف و عوامل مرتبط با آن»، فصلنامه‌ی علمی پژوهشی رفاه اجتماعی، سال دهم، شماره ۳۴، صص. ۱۳۱-۱۵۸.
- دانیو، آندره مورالی، (۱۳۸۴)، جامعه‌شناسی روابط جنسی، ترجمه‌ی حسن پویان. تهران: انتشارات توس.
- رفاهی، ژاله و دیگران، (۱۳۹۱)، «بررسی عوامل مؤثر بر شکل‌گیری رابطه‌ی دوستی پیش از ازدواج بین دختران و پسران از دیدگاه دانشجویان»، فصلنامه‌ی علمی پژوهشی جامعه‌شناسی زنان، سال سوم، شماره‌ی اول، صص. ۱۱۷-۱۳۴.
- فلیک، اووه، (۱۳۸۸)، درآمدی بر تحقیق کیفی، ترجمه‌ی هادی جلیلی. تهران: نشر نی.
- Ajaen, Icek (1991), "The Theory of Planned Behavior", ORGANIZATIONAL BEHAVIOR AND HUMAN DECISION PROCESSES 50, 179-211.
- Bandura, Albert (1969), social-learning theory of identificatory processes, from socialization theory and research.
- Barkan, Steven E. (2006), "Religiosity and Premarital Sex in Adulthood", Journal for the Scientific Study of Religion, 45(3), pp 407-417.
- Busse, Peter, & et al. (2010), "The Role of Communication With Friends in Sexual Initiation", Communication Research, 37(2), pp 239-255.
- Greenwood, Jeremy, & Guner, Nezh, (2009), "Social Change: The Sexual Revolution", PSC Working Paper Series PSC, 09-02, pp. 4-21.
- Halcli, A. & Webster, F. (2000), Rational Choice Theory, Sage Publications.
- Harding, J., David, & Jencks, Christopher, (2003), "changing attitudes toward premarital sex cohort, period, and aging effects", Public Opinion Quarterly, Vol 67, pp. 211-226.
- Keith, Tudor R. & Carley, Susan S., "REFERENCE GROUP THEORY REVISITED", <http://www.sbaer.uca.edu/research/1998/SMA/98sma040.txt>
- King, Karl, & et al. (1977), "The continuing premarital sexual revolution among

- college females", *Journal of marriage and the family*, pp.455-459.
- L'Engle, Ladin Kelly, & et al, (2006), "The mass media are an important context for adolescents' sexual behavior", *Journal of Adolescent Health*, 38, pp 186-192.
- Leonard, Kathleen Cobb, & Scott-Jones, Diane, (2010), "A Belief-Behavior Gap? Exploring Religiosity and Sexual Activity Among High School Seniors", *Journal of Adolescent Research*, 25(4), pp 578- 600.
- Leridon, Henri, (1990), "extra-marital cohabitation and fertility", *population studies*, no 44, pp.469-487.
- Manlove, Jennifer S., & et al, (2006), "The Role of Parent Religiosity in Teens' Transitions to Sex and Contraception", *Journal of Adolescent Health*, 39, pp 578-587.
- Markey, Patrick M., & et al, (2003), "Complementarity of Interpersonal Behaviors in Dyadic Interactions", *PERSONALITY AND SOCIAL PSYCHOLOGY BULLETIN*, *PSPB*, Vol. 29 No. 9.
- Paul, Charlotte, & et al, (2000), "Sexual abstinence at age 21 in New Zealand: the importance of religion", *Social Science & Medicine*, 51.
- Qu, Lixia, & et al, (2009), "cohabitation and beyond : the contribution of each partners' relationship satisfaction and fertility aspirations to pathways of cohabiting couples", *Journal of comparative family studies*, pp.587- 601.
- Rindfuss, Ronald, & Vandenheuvel, Audrey, (1990), "cohabitation: a precursor to marriage or an alternative to being single?", *population and development review* 16, no 4, pp.703-726.
- Stack, Steven, (1994), "The effect of geographic mobility on premarital sex", *Journal of marriage and the family*, 56, pp.204-208.
- Uecker, Jeremy E., (2008), "Religion, Pledging, and the Premarital Sexual Behavior of Married Young Adults", *Journal of Marriage and Family*, 70, pp728-744.
- Wiik, Kenneth Aarskaug, (2009), " 'You'd Better Wait!'—Socioeconomic Background and Timing of First Marriage versus First Cohabitation", *European Sociological Review*, vol 25, no 2, pp. 139-153.



پرو، شہ گاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی  
پرتال جامع علوم انسانی